

فلسفه فقه

(جلد اول)

به کوشش: حسینعلی بای

www.ketab.ir



فلسفه فقه

(جلد اول)

به کوشش: حسینعلی بای

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ سوم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: آرزوی دیدار

سرشناسه: بای، حسینعلی، ۱۳۵۷.

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه فقه/ به کوشش: حسینعلی بای.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۵۵۶ص.

شابک: ج. ۱: ۸ - ۲۹۴ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۰۸ - ۲۹۵ - ۵ - ۲. ج. ۲: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۰۸ - ۲۹۵ - ۵ - ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۰۸ - ۲۹۵ - ۵ - ۲.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیبا).

موضوع: فقه -- فلسفه.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ف ۲/ب ۲/۱۶۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۴۳۲۸

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، تقاطع بزرگراه

شهید مدرس، پلاک ۵۶. تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

فروشگاه کتاب اندیشه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی

درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۴۸. تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۹	بیشگفتار
۲۳	مقدمه
۳۷	فلسفه فقه
۳۷	چکیده
۳۷	مقدمه
		گفتار اول: وصفی و گزارشی (Descriptive) یا دستوری (normative)
۳۸	بودن فلسفه فقه
۴۰	گفتار دوم: بررسی رابطه فلسفه فقه با علم اصول فقه
۴۱	گفتار سوم: بررسی مباحث اصلی علم فلسفه فقه
۴۱	۱. تعریف فقه
۴۱	۲. موضوع و قلمرو فقه
۴۲	۳. پیش فرض‌های موجود در علم فقه
۴۲	۳-۱. مباحث کلامی
۴۲	۳-۲. منطق‌الفراغ
۴۲	۳-۳. سیره و فعل معصوم
۴۳	۳-۴. حدود دخالت عقل در فقه
۴۳	۳-۵. تلقی دین از آزادی و تعقل
۴۳	۳-۶. تلقی فقیه از کتاب و سنت
۴۳	۴. اهداف فقه یا مقاصد شریعت
۴۴	۵. فقه و نظام‌سازی

۴۴	۶ بحث ثابت و متغیر در دین.....
۴۴	۷. رابطه فقه و زمان و مکان.....
۴۵	۸. رابطه فقه و برنامه.....
۴۵	۹. رابطه فقه و علوم دیگر.....
۴۵	۱۰. تحولات مبانی فقه در تحولات علم.....
۴۵	۱۱. ساز و کار تأثیر فلسفه فقه در اصول فقه.....
۴۶	۱۲. روش استدلال فقهی.....
۴۶	۱۳. روش‌شناسی تحقیقی در اسناد.....
۴۶	۱۴. موضوع‌شناسی و مفاهیم فقهی.....
۴۷	۱۵. ناظر بودن قرآن و روایات بر جامعه عرب زمان خود.....
۴۸	منابع.....
۵۱	چیستی فلسفه فقه
۵۱	چکیده.....
۵۲	گفتار اول: کلیات و مفهوم‌شناسی.....
۵۷	گفتار دوم: بررسی تعاریف ارائه شده از فلسفه فقه.....
۵۷	۱. تعریف اول.....
۵۸	۲. تعریف دوم.....
۵۹	۳. تعریف سوم.....
۶۰	۴. تعریف چهارم.....
۶۱	۵. تعریف پنجم.....
۶۱	۶. تعریف ششم.....
۶۲	۷. تعریف هفتم.....
۶۳	۸. تعریف هشتم.....
۶۳	گفتار سوم: نسبت فلسفه فقه با علوم دیگر.....
۶۵	گفتار چهارم: ارتباط مسائل فلسفه فقه با علوم مرتبط.....
۶۷	منابع.....
۶۹	فلسفه فقه
۶۹	مقدمه.....
۷۱	گفتار اول: چیستی فلسفه فقه.....
۷۲	۱. نقد و تحلیل تعاریف‌های ارائه‌شده.....

۷۴	۲. ارزیابی تعاریف.....
	۳. بیان چستی «فلسفه فقه» براساس تأمل در واژه‌های عنوان و مقایسه
۷۷	با دیگر دانش‌های ناظر.....
۷۷	۴. بررسی واژه «فلسفه».....
۸۰	۵. بررسی واژه «فقه».....
۸۷	گفتار دوم: مسائل فلسفه فقه و ساختار آن.....
۹۱	گفتار سوم: موضوع فلسفه فقه.....
۹۲	گفتار چهارم: غرض از فلسفه فقه و فایده آن.....
۹۴	گفتار پنجم: رابطه فلسفه فقه با فقه، معرفت‌شناسی فقه، کلام و اصول فقه.....
۱۰۵	منابع.....
۱۰۷	گفتمان فلسفه فقه
۱۰۷	چکیده.....
۱۰۷	مقدمه.....
۱۰۹	گفتار اول: چستی فقه به لحاظ موضوع و محمول و گستره فقه.....
۱۰۹	۱. پرسش‌های موضوع‌شناسی فقه.....
۱۱۵	۲. پرسش‌های محمول‌شناسی فقه.....
۱۱۹	۳. پرسش‌های گستره فقه.....
۱۲۵	گفتار دوم: معرفت‌شناسی و مبانی فقه.....
۱۳۱	گفتار سوم: پیش‌فرض‌های فقه.....
۱۳۲	گفتار چهارم: رابطه فلسفه فقه یا فقه با علوم دیگر.....
۱۳۵	گفتار پنجم: ویژگی‌های حقوق و فقه اسلامی.....
۱۳۷	منابع.....
۱۳۹	جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی - اجتماعی اسلام
۱۳۹	چکیده.....
۱۳۹	مقدمه.....
۱۴۱	گفتار اول: مدارک قاعده تساهل و تسامح.....
۱۴۱	۱. کتاب.....
۱۴۲	۲. سنت.....
۱۴۴	۳. عقل.....
۱۴۷	گفتار دوم: سهولت در مسائل حقوقی - اجتماعی.....

۱. جهاد ۱۴۷
- ۱-۱. برداشتن تکلیف جهاد از ناتوان ۱۴۷
- ۱-۲. جهاد ابتدایی ۱۴۸
۲. جزیه ۱۴۹
۳. امر به معروف و نهی از منکر ۱۵۰
۴. اخذ دیه و تشریح آن (جزائیات) ۱۵۱
۵. ارتداد ۱۵۳
۶. سرقت ۱۵۵
۷. روابط نامشروع ۱۵۵
- ۸.ظهار ۱۵۶
۹. معاملات ۱۵۸
- ۹-۱. اصل جایز بودن ۱۵۸
- ۹-۲. اصل حلیت ۱۵۸
- ۹-۳. پرداخت وام ۱۵۸
۱۰. ولایت فقیه ۱۵۹
- گفتار سوم: دیدگاه دو تن از فقیهان برگزیده درباره این قاعده ۱۶۰
۱. مرحوم مقدّس اردبیلی ۱۶۰
- ۱-۱. اعمال پیشین انسان مستبصر ۱۶۰
- ۱-۲. تقدیم نماز عصر بر ظهر ۱۶۱
- ۱-۳. حجاب زن در نماز ۱۶۱
- ۱-۴. حج ۱۶۱
- ۱-۵. حجر سفیه ۱۶۲
۲. امام خمینی قدس سره ۱۶۲
- نتیجه ۱۶۴
- منابع ۱۶۵
- عرفی و عقلایی بودن زبان دین در حوزه تشریح و تقنین ۱۶۷
- چکیده ۱۶۷
- مقدمه ۱۶۸
- گفتار اول: منظور از زبان شارع ۱۶۹
- گفتار دوم: سه سبک سخن در قرآن و سنت ۱۷۰

- گفتار سوم: سبک زبان شارع..... ۱۷۱
۱. سبک خطابه‌های قانونی..... ۱۷۲
۲. سبک قضیه حقیقه..... ۱۷۴
- گفتار چهارم: ادله عرفی و عقلایی بودن زبان شارع..... ۱۷۵
۱. ادله عقلی..... ۱۷۵
۲. ادله نقلی..... ۱۷۷
۳. ادله تاریخی..... ۱۷۸
- گفتار پنجم: عدم تنافی عرفی بودن زبان شارع با تقلید (سبک سهل و ممتنع)..... ۱۷۸
- نتیجه..... ۱۷۹
- منابع..... ۱۸۰
- بررسی ساختار فقه..... ۱۸۱**
- چکیده..... ۱۸۱
- مقدمه..... ۱۸۱
- گفتار اول: ساختار فقه از دیدگاه صاحب مراسم..... ۱۸۲
- گفتار دوم: ساختار فقه از منظر ابی‌الصلاح حلبی..... ۱۸۳
- گفتار سوم: ساختار فقه از دیدگاه ابن‌برآج..... ۱۸۵
- گفتار چهارم: طبقه‌بندی فقه از دیدگاه صاحب شرایع..... ۱۸۶
- گفتار پنجم: ساختار فقه از دیدگاه شهید اول..... ۱۹۰
۱. جلب منفعت یا دفع ضرر بالاصاله..... ۱۹۱
- ۱-۱. شنیدنی‌ها..... ۱۹۱
- ۱-۲. دیدنی‌ها..... ۱۹۱
- ۱-۳. لمس کردنی‌ها..... ۱۹۱
- ۱-۴. چشیدنی‌ها..... ۱۹۲
۲. احکامی که مقصود بالتبع آن جلب منفعت یا دفع ضرر از مکلف است..... ۱۹۲
- گفتار ششم: ساختار فقه از دیدگاه صاحب مفتاح‌الکرامه..... ۱۹۶
- گفتار هفتم: دسته‌بندی فقه از دیدگاه فیض کاشانی..... ۱۹۸
۱. فن عبادات و سیاسات..... ۱۹۸
۲. فن عادات و معاملات..... ۱۹۸
- گفتار هشتم: دسته‌بندی فقه از دیدگاه شهید محمد باقر صدر..... ۲۰۰

۲۰۱.....	گفتار نهم: ساختار فقه از دیدگاه صاحب رساله نوین
۲۰۳.....	گفتار دهم: ساختار فقه از دیدگاه صاحب الفقه المأثور
۲۰۵.....	گفتار یازدهم: دست‌بندی فقه از دیدگاه اهل سنت
۲۰۶.....	گفتار دوازدهم: طرح پیشنهادی
۲۱۰.....	منابع
۲۱۳.....	عوامل پویایی فقه
۲۱۳.....	مقدمه
۲۱۴.....	گفتار اول: اهداف فقه
۲۱۵.....	گفتار دوم: توانایی سیستمی فقه
۲۱۷.....	گفتار سوم: عوامل پویایی
۲۱۸.....	۱. حیات مجتهد
۲۱۹.....	۲. موضوع‌شناسی روزآمد
۲۲۲.....	۳. حکم‌شناسی
۲۲۵.....	۴. کاوشی نو در ملاکات احکام:
۲۲۶.....	۵. مجتهد و روش‌شناسی
۲۲۷.....	گفتار چهارم: راهکارهای بهبود روش استنباط
۲۲۷.....	۱. مرزبندی تخصص‌ها
۲۲۸.....	۲. از کارشناس
۲۲۹.....	گفتار پنجم: پویایی در فقه شورایی
۲۳۱.....	منابع
۲۳۳.....	نقد نظریه حداقلی در قلمرو فقه اسلامی
۲۳۳.....	چکیده
۲۳۳.....	مقدمه
۲۳۵.....	گفتار اول: نقد نظریه حداقلی در قلمرو فقه اسلامی
۲۳۹.....	گفتار دوم: دیدگاه دین‌دنیایی و دین‌آخرتی
۲۴۸.....	گفتار سوم: دیدگاه شبهه‌خطاپذیری رأی فقیهان
۲۴۹.....	گفتار چهارم: دیدگاه شبهه‌تکامل‌پذیری
۲۵۰.....	منابع
۲۵۱.....	مذاق شریعت
۲۵۱.....	چکیده
۲۵۲.....	مقدمه

- گفتار اول: چیستی مذاق شریعت..... ۲۵۳
- گفتار دوم: نمونه‌های استناد به مذاق شریعت..... ۲۵۶
- گفتار سوم: دستیابی به مذاق شارع..... ۲۵۸
۱. استنتاج مذاق شریعت از طریق اولویت..... ۲۵۹
۲. دستیابی به مذاق شارع از مجموعه احکام..... ۲۵۹
۳. دستیابی به مذاق از طریق آثار..... ۲۶۰
۴. دستیابی به مذاق از حکم عقل..... ۲۶۱
۵. دستیابی به مذاق از انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی..... ۲۶۱
۶. دستیابی به مذاق از صفات شارع..... ۲۶۲
- گفتار چهارم: کاربردهای مذاق شریعت..... ۲۶۲
۱. مذاق شریعت به عنوان منبع حکم..... ۲۶۲
۲. شیوه تحلیل موضوع..... ۲۶۳
۳. تعیین یکی از احتمالات در معنا..... ۲۶۳
۴. استفاده در تزامم احکام..... ۲۶۳
- گفتار پنجم: اعتبار مذاق شریعت..... ۲۶۴
- گفتار ششم: مذاق شریعت و اصول کلی حقوق..... ۲۶۴
- گفتار هفتم: مذاق شریعت و مقاصد شریعت..... ۲۶۶
- نتیجه..... ۲۶۸
- منابع..... ۲۶۸
- استناد فقهی به مذاق شریعت در بوثه نقد..... ۲۷۱**
- چکیده..... ۲۷۱
- مقدمه..... ۲۷۲
- گفتار اول: بررسی واژه «مذاق»..... ۲۷۳
۱. معنای لغوی مذاق..... ۲۷۳
۲. تحقیق در کاربردهای فقهی واژه مذاق برای دستیابی به عناصر اصلی معنای آن (مؤلفه‌پژوهی)..... ۲۷۴
- گفتار دوم: چیستی مذاق؛ مؤلفه‌های مورد وفاق فقیهان در مفهوم مذاق..... ۲۷۷
- گفتار سوم: سازوکارهای دستیابی به مذاق شارع..... ۲۸۰
۱. بررسی اسناد مبین مقاصد شریعت..... ۲۸۲
۲. درک قطعی عقل..... ۲۸۳

۳. مقایسه مورد مذاق با احکام شرعی دیگر ۲۸۳
۴. واکاوی پیامدهای یک حکم ۲۸۴
۵. ارتکاز قطعی متشرعه ۲۸۴
۶. رویه قانونگذاری شارع یا روش او در بیان شریعت ۲۸۵
۷. جهان بینی شارع ۲۸۶
۸. سازگاری یا ناسازگاری با مجموعه شریعت ۲۸۶
۹. روش های بیان ناپذیر ۲۸۷
- گفتار چهارم: کاربردهای مذاق در فقهت ۲۸۷
- گفتار پنجم: پیوند فقهت با مذاق شرع ۲۸۹
- گفتار ششم: راهکارهای فقهی پیشنهادی به جای بهره‌مندی از مذاق ۲۹۱
۱. توجه به نصوص مبین مقاصد و آیات قرآن کریم ۲۹۱
۲. توجه به جایگاه واقعی عقل در روند استنباط ۲۹۲
۳. توجه به جایگاه دستگاه‌های دلالت‌کننده شبکه‌ای (تعاضدی حلقوی و هرمی) در استنباط ۲۹۲
- نتیجه ۲۹۷
- منابع ۲۹۸
- ثبات شریعت و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ۳۰۱
- چکیده ۳۰۱
- مقدمه ۳۰۲
- گفتار اول: نظریه منطقه‌الفراغ و نقد آن ۳۰۴
۱. مفهوم منطقه‌الفراغ ۳۰۵
۲. ضرورت وجود منطقه‌الفراغ ۳۰۵
۳. حدود منطقه‌الفراغ ۳۰۶
۴. نقد نظریه ۳۰۶
- گفتار دوم: نظریه برگزیده ۳۱۰
- نتیجه ۳۱۵
- منابع ۳۱۶
- تبیین نظریه «منطقه‌الفراغ» ۳۱۷
- چکیده ۳۱۷
- مقدمه ۳۱۷

- گفتار اول: چیستی «منطقه الفراغ»..... ۳۱۹
۱. منطقه الفراغ به روابط انسان با طبیعت ناظر است..... ۳۱۹
۲. عدم وضع قواعد تفصیلی، ناشی از نقص یا اهمال قانونگذار نیست..... ۳۲۰
۳. حکم کلی منطقه الفراغ اباحه است..... ۳۲۱
۴. عدم منافات نظریه با ادله «اباحه تشریحی»..... ۳۲۲
۵. عدم منافات نظریه با جامعیت و ابدیت شریعت..... ۳۲۴
۶. تفاوت نظریه با شیوه حل مسائل مستحدثه..... ۳۲۵
۷. نظریه منطقه فراغ، به مرحله تشریح ناظر است، نه اجرا..... ۳۲۶
۸. عدم ارتباط منطقه فراغ با احکام ثانوی..... ۳۲۶
۹. عدم ارتباط نظریه با قواعد و مقررات اداری - اجرایی..... ۳۲۷
۱۰. رابطه نظریه منطقه فراغ با مشروعیت حکم حکومتی..... ۳۲۷
- گفتار دوم: اثبات منطقه فراغ..... ۳۲۸
- منابع..... ۳۳۲
- منابع فقه در قرآن کریم**..... ۳۳۵
- چکیده..... ۳۳۵
- مقدمه..... ۳۳۵
- گفتار اول: اصطلاح منابع فقه..... ۳۳۶
- گفتار دوم: اصل کلی عدم حجیت ظن..... ۳۳۷
- گفتار سوم: قرآن اولین منبع فقه..... ۳۳۹
- گفتار چهارم: سنت..... ۳۴۱
۱. حجیت سنت پیامبر اکرم(ص)..... ۳۴۲
۲. الحاق سنت سایر معصومان(ع) به سنت پیامبر اکرم(ص)..... ۳۴۴
۳. اثبات و نقل سنت..... ۳۴۶
- گفتار پنجم: سایر منابع..... ۳۵۰
۱. عقل..... ۳۵۰
۲. اجماع..... ۳۵۳
۳. عرف و بنای عقلا..... ۳۵۵
- منابع..... ۳۵۸

- درآمدی بر مبانی کلامی استنباط از قرآن..... ۳۶۱
- چکیده..... ۳۶۱
- مقدمه..... ۳۶۱
- گفتار اول: بهره‌گیری از مبانی کلامی نسبت به قرآن..... ۳۶۳
۱. بهره‌گیری از مبانی کلامی جهت اثبات منبع بودن قرآن..... ۳۶۳
- ۱-۱. مبنای کلامی (معجزه بودن قرآن)..... ۳۶۴
- ۱-۲. مبنای کلامی حکمت..... ۳۶۴
۲. بهره‌گیری از مبانی کلامی جهت تعیین قلمرو آیات الاحکام..... ۳۶۷
۳. بهره‌گیری از مبانی کلامی در تعیین متدلوژی استنباط از قرآن..... ۳۶۹
- ۳-۱. بهره‌گیری از شیوه‌های عرفی..... ۳۶۹
- ۳-۲. میزان بهره‌گیری از سنت در استفاده و برداشت از قرآن..... ۳۷۰
۴. مبنای کلامی حکمت خداوند..... ۳۷۳
- ۴-۱. استنباط از قرآن بر اساس سیاق..... ۳۷۴
- ۴-۲. استنباط از قرآن بر اساس کنایه‌گویی..... ۳۷۸
- گفتار دوم: تعیین شیوه دریافت مبانی کلامی از قرآن با بهره‌گیری از مبانی کلامی..... ۳۷۹
- منابع..... ۳۸۰
- تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی..... ۳۸۱**
- چکیده..... ۳۸۱
- مقدمه..... ۳۸۱
- گفتار اول: اندیشه انکار و مبانی آن..... ۳۸۲
۱. اندیشه انکار..... ۳۸۲
۲. مبانی عقلی و نقلی اندیشه انکار..... ۳۸۶
- گفتار دوم: اندیشه تبعیت مطلق و مبانی آن..... ۳۸۷
۱. اندیشه تبعیت..... ۳۸۷
۲. مبانی عقلی و نقلی اندیشه تبعیت..... ۳۸۸
- گفتار سوم: اندیشه تبعیت نسبی و موقعیت و مبانی آن..... ۳۹۰
۱. اندیشه تبعیت نسبی..... ۳۹۰
۲. موقعیت این اندیشه..... ۳۹۳
۳. مبانی عقلی و نقلی اندیشه سوم..... ۳۹۶
- گفتار چهارم: نقد و بررسی اندیشه‌های سه‌گانه و مبانی آن..... ۳۹۷

۳۹۷.....	۱. نقد اندیشه اول.....
۳۹۷.....	۱-۱. مخالفت اندیشه انکار با عقل و نقل.....
۴۰۰.....	۱-۲. تناقض در اندیشه انکار.....
۴۰۱.....	۲. نقد اندیشه دوم.....
۴۰۱.....	۲-۱. مخالفت اندیشه تبعیت مطلق با برخی نصوص.....
۴۰۳.....	۲-۲. ترجیح بدون مرجح مطلقا محال نیست.....
۴۰۴.....	۳. تبیین مبنای اندیشه سوم.....
۴۰۵.....	منابع.....
۴۰۹.....	امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع.....
۴۰۹.....	چکیده.....
۴۰۹.....	مقدمه.....
۴۱۰.....	گفتار اول: دیدگاه عدم امکان فهم.....
۴۱۱.....	۱. طرفداران این دیدگاه.....
۴۱۳.....	۲. مبنای نقلی و عقلی دیدگاه انکار.....
۴۱۴.....	۲-۱. مبنای نقلی.....
۴۱۵.....	۲-۲. مبنای عقلی.....
۴۱۵.....	گفتار دوم: دیدگاه امکان فهم.....
۴۱۶.....	۱. طرفداران این دیدگاه.....
۴۱۷.....	۲. مبنای عقلی و نقلی دیدگاه امکان.....
۴۱۷.....	۲-۱. مبنای عقلی.....
۴۱۹.....	۲-۲. مبنای شرعی دیدگاه امکان.....
۴۲۲.....	گفتار سوم: نقد مبنای اندیشه عدم امکان.....
۴۲۲.....	۱. نقد ادله نقلی اندیشه انکار.....
۴۲۶.....	۲. نقد دلیل عقلی اندیشه انکار.....
۴۲۶.....	۲-۱. نهاد تعیین حوزه درک عقل، عقل است!.....
	۲-۲. لزوم گسست استفاده از عقل در کشف حکم شرعی از به کارگیری
۴۲۷.....	آن در درک ملاکات حکم شرعی مکشوف.....
۴۳۰.....	نتیجه.....
۴۳۰.....	منابع.....

- سنت پژوهی..... ۴۳۳
- چکیده..... ۴۳۳
- گفتار اول: ضرورت سنت پژوهی..... ۴۳۴
- گفتار دوم: تعریف سنت..... ۴۳۷
- گفتار سوم: فعل معصوم و کاربرد آن در مقام استنباط..... ۴۳۹
- گفتار چهارم: تفکیک سنت قولی از فعلی..... ۴۴۳
- گفتار پنجم: احراز سنت..... ۴۴۴
- گفتار ششم: دلالت پژوهی و معناشناسی سنت..... ۴۴۸
۱. روش میناشناختی..... ۴۵۰
۲. روش محیط‌شناسی صدور..... ۴۵۰
۳. روش موضوع‌شناختی..... ۴۵۲
- گفتار هفتم: ساختار تفصیلی سنت‌شناسی..... ۴۵۳
- نتیجه..... ۴۶۲
- منابع..... ۴۶۴
- نقش سنت در حجیت فهم ظواهر کتاب..... ۴۶۵
- چکیده..... ۴۶۵
- گفتار اول: مبادی تصدیقی بحث..... ۴۶۵
- گفتار دوم: تمایز ظهور بدوی و مراد جدی..... ۴۶۶
- گفتار سوم: تعیین موضوع حجیت..... ۴۶۷
- گفتار چهارم: سنت؛ قرینه مفصل کتاب..... ۴۶۹
- گفتار پنجم: انعقاد ظهور کتاب در گرو مراجعه به قراین مفصل..... ۴۷۰
- گفتار ششم: اتفاق آرای بزرگان اصول در ضرورت فحص از اخبار..... ۴۷۲
۱. نظر شیخ انصاری..... ۴۷۲
۲. رأی مرحوم آخوند خراسانی..... ۴۷۳
۳. بیان جالب مرحوم مظفر..... ۴۷۴
۴. رأی مؤلف البیان و برخی اعلام دیگر..... ۴۷۵
- گفتار هفتم: تأکید اخباری‌ها بر ضرورت فحص از قراین کتاب..... ۴۷۵
۱. نظر محدث استرآبادی..... ۴۷۶
۲. رأی شیخ حر عاملی..... ۴۷۷
- گفتار هشتم: رویکرد متفاوت دو گروه در حجیت ظواهر کتاب..... ۴۷۸

۴۷۹.....	گفتار نهم: پاسخ به شبهه.....
۴۸۰.....	گفتار دهم: تأملی در روش تفسیر قرآن به قرآن.....
۴۸۲.....	نتیجه.....
۴۸۳.....	منابع.....
۴۸۵.....	اصل اولی در گفتار و رفتار معصوم(ع).....
۴۸۵.....	چکیده.....
۴۸۶.....	مقدمه.....
۴۸۷.....	گفتار اول: انکار اصل اولی.....
۴۸۸.....	گفتار دوم: اصل اولی تغییر.....
۴۸۸.....	۱. بیان اول.....
۴۸۹.....	۲. بیان دوم.....
۴۹۰.....	گفتار سوم: اصل اولی ثبات.....
۴۹۰.....	۱. ادله قاعده اشتراک.....
۴۹۲.....	۲. رافت منصب نبوت بر منصب امامت و قضا.....
۴۹۳.....	۳. حمل فرد مشکوک بین کلی غالب و ادر بر غالب.....
۴۹۳.....	۴. حمل روایت بر صدور از شأن نبوت فایده بیشتری دارد.....
۴۹۴.....	۵. اطلاعات و عموماتی که همه گفتار و رفتار پیامبر(ص) را حجّت می کند.....
۴۹۵.....	۶. اطلاق مقامی دلیل در صدور حکم از شأن تبیین دین.....
۴۹۸.....	۷. ارتکاز متشرعه غیر مردوعه.....
۴۹۹.....	گفتار چهارم: تفصیل میان موضوعات.....
۵۰۰.....	منابع.....
۵۰۳.....	تأملی در حجیت خبر موثق.....
۵۰۳.....	چکیده.....
۵۰۴.....	مقدمه.....
۵۰۴.....	گفتار اول: دیدگاه‌های فقیهان.....
۵۰۵.....	گفتار دوم: ادله حجیت خبر موثق.....
۵۰۵.....	۱. اجماع.....
۵۰۶.....	۲. قرآن.....
۵۰۷.....	۳. روایات.....
۵۰۷.....	۳-۱. مرسله شیخ.....

- ۳-۲. روایت حسین بن روح..... ۵۰۷
- ۳-۳. حدیث زید زرّاد..... ۵۰۸
- ۳-۴. صحیحۀ زرّاره از امام باقر..... ۵۰۹
- ۳-۵. روایت جابر..... ۵۱۰
- ۳-۶. صحیحۀ احمد بن اسحاق ابوالحسن..... ۵۱۱
- ۳-۷. صحیحۀ اسماعیل بن فضل هاشمی..... ۵۱۲
- ۳-۸. روایت عمر بن یزید..... ۵۱۳
- ۳-۹. روایت مسعر بن کدام..... ۵۱۴
۴. سیرۀ عقلا..... ۵۱۵
- ۴-۱. احراز سیره..... ۵۱۵
- ۴-۲. احراز تعاصر سیره..... ۵۱۶
- ۴-۳. احراز امضای سیره..... ۵۱۹
- گفتار سوم: ادله عدم حجیت خبر موثق..... ۵۲۰
۱. قرآن..... ۵۲۰
- ۱-۱. آیه نبأ..... ۵۲۰
- ۱-۲. آیه نهی از رکون به ظالمان..... ۵۲۳
۲. روایات..... ۵۲۵
- ۲-۱. روایات مطلقه..... ۵۲۵
- ۲-۲. روایات خاصه..... ۵۲۸
- نتیجه..... ۵۳۰
- منابع..... ۵۳۱
- فهرست آیات..... ۵۳۳
- فهرست روایات..... ۵۳۹
- نمایه..... ۵۴۳

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک‌سو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام به‌عنوان دین هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه گشته، بینش‌ها، ارزش‌ها و منسب‌های دینی متدینان آسیب‌شناسی و ساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، بی‌راسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌مند پیرامون کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و همتی والا و تلاشی شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی محض و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی و غیرانتفاعی است در قالب پنج پژوهشکده، حکمت اسلامی، دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانش‌نامه نگاری دینی و شانزده گروه علمی تخصصی در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و مدیریت اسلامی است، به‌طور خاص با مطالعه نظامات اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام.
 ۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن.
 ۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدد رسانی به متولیان امور و بستر سازی برای تحقق کامل تر نظام‌های اسلامی.
 ۴. تحقیق در باب مسائل مستحدثه به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپیدای فقهی.
 ۵. پاسخگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام.
 ۶. شناخت و نقد علمی مکاتب و نظامات معارض.
- مجموعه حاضر حاصل تلاش علمی محققان ارجمند حجج اسلام جناب آقای علی اکبر رشاد، جناب آقای ابوالقاسم علی دوست، جناب آقای علی ربانی گلپایگانی، جناب آقای عبدالحسین خسرو پناه، جناب آقای سید حسین میر معزی، جناب آقای سیف‌الله صرّامی، جناب آقای احمد مینعی، جناب آقای حسنعلی علی اکبریان، جناب آقای سید محمد نجفی یزدی، جناب آقای رسول نادری، جناب آقای جابر توحیدی اقدم، جناب آقای عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، سرکار خانم طاهره اسداللهی، جناب آقای محمد جواد سلیمانپور، جناب آقای حسین حسن زاده، جناب آقای سیدعلی سادات فخر، جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا و جناب آقای سید عبدالحمید ابطحی است که به همت و کوشش جناب آقای حسینعلی بای در گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی تهیه شده است و به موضوعات مختلف درباره مباحث فلسفه فقه می‌پردازد.

از جمله فلسفه‌های مضاف که امروزه جایگاه خاصی در میان مباحث نظری، به دست آورده است، فلسفه فقه می‌باشد که در آن به موضوعات و مباحث پیرامونی فقه همچون؛ تعریف فقه، تاریخ تطور فقه، ساختار فقه و

تقسیم‌بندی آنها، جایگاه فقه، ارتباط فقه با علوم دیگر خصوصاً علم اصول، روش‌شناسی فقه، قلمرو فقه، ماهیت احکام فقهی، مراحل حکم فقهی، انواع حکم (حکم اولی، ثانوی، ثابت و متغیر و...)، رابطه مصالح و مفاسد با احکام، موضوع علم فقه، اهداف فقه، مقدمات علم فقه یا اجتهاد، منابع فقه، حجیت منابع فقه، منطق فهم فقه، شیوه‌های تفسیر نصوص، متولوژی تحقیق در اسناد، کاستی‌های فقه و آسیب‌شناسی آن، تعریف اجتهاد، عوامل موثر در اجتهاد، نقش «روح شریعت»، «مذاق شریعت» و «مقاصد شریعت» در تفسیر نصوص شرعی، عوامل پویایی و جمود، و... پرداخته می‌شود.

عطف نظر به فلسفه فقه علاوه بر توانمندسازی فقه در پاسخگویی به نیازهای زمانه، موجب شناسایی ظرفیت‌های جدید در منابع استنباط و روش‌شناسی فقهی، تصحیح روند و جریان فهم از کتاب و سنت و کاهش ضریب خطا در فهم از نصوص دینی خواهد شد؛ زیرا زاویه نگرش فقیه به مباحث فلسفه فقه، تاثیرات بسزایی در نحوه اجتهاد و استنباط او برجای گذاشته و نگاه نافذ، عمیق و نقادانه‌ای به او عطا خواهد کرد. به واقع فلسفه فقه یا علم‌شناسی فقه حوزه‌ای از دانش است که بر تحول، تطور، توسعه، تعمیق و تکامل فقه و شناخت ساختار کلان آن، مدیریت می‌کند.

مجموعه پیش‌روی خواننده گرامی در بر دارنده موضوعات متنوعی از مباحث مربوط به فلسفه فقه با عناوین «فلسفه فقه»، «چیستی فلسفه فقه»، «گفتنمان فلسفه فقه»، «جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی - اجتماعی اسلام»، «عرفی و عقلایی بودن زبان دین در حوزه تشریح و تقنین»، «بررسی ساختار فقه»، «عوامل پویایی فقه»، «نقد نظریه حداقلی در قلمرو فقه اسلامی»، «مذاق شریعت»، «استناد فقهی به مذاق شریعت در بوته نقد»، «ثبات شریعت و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی»، «تبیین نظریه منطقه الفراخ»، «منابع فقه در قرآن کریم»، «درآمدی بر مبانی کلامی استنباط از قرآن»، «امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع»، «تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی»، «سنت پژوهی»، «نقش سنت در حجیت فهم ظواهر کتاب»، «اصل اولی در گفتار و رفتار معصوم» و «تأملی در حجیت خبر موثق» است.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش علمی محققان ارجمند، اعضای محترم شورای علمی گروه فقه و حقوق، به ویژه ارزیابان محترم مقالات و نیز جناب آقای حسینعلی بای کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز نماییم.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

www.ketab.ir

مقدمه

دیر زمانی نیست فلسفه‌های مضاف به عنوان دانش مستقلی ظهور کرده، یا مورد توجه ویژه اندیشمندان قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان، فلسفه مضاف را به دانش مطالعه فرانگر و تحلیلی - عقلانی احوال و احکام کلی یک علم یا رشته علمی (مانند علم جامعه‌شناسی یا حقوق) یا یک هستومند دستگاه‌وارانگاشته حقیقی یا اعتباری (مانند جامعه) تعریف کرده‌اند. به این ترتیب فلسفه مضاف، گاه به دانشی اطلاق می‌شود که به مطالعه برون‌گرانه مسائل کلی یک علم یا یک رشته علمی می‌پردازد که در این صورت، به آن، فلسفه مضاف علم گفته می‌شود و گاه نیز به دانشی اطلاق می‌شود که به مطالعه برون‌گرانه یک هستومند دستگاه‌وار (موجود یا حقیقت نظام‌مند)، می‌پردازد که در این صورت، به آن، فلسفه مضاف به امور، گفته می‌شود.

به عقیده برخی هر گاه مضاف‌الیه، خود، یک علم باشد (مانند علم فقه)، آنگاه فلسفه آن نیز علمی درجه دومی خواهد بود و اگر مضاف‌الیه، خود، علم نباشد (مانند ذهن و هنر) نمی‌توان فلسفه مضاف آن را علمی درجه دوم دانست. به هر حال در فلسفه مضاف به موضوعات درونی آن علم (یا امور) توجه نمی‌شود، بلکه در آن به مباحثی نظیر تاریخچه، قلمرو، ساختار، اهداف، منابع آن علم و نسبتش با علوم دیگر پرداخته می‌شود.

فلسفه فقه، از جمله فلسفه‌های مضاف است که در آن به تعریف فقه، تاریخ تطور فقه، ساختار فقه و تقسیم‌بندی آنها، جایگاه فقه، ارتباط فقه با علوم دیگر خصوصاً علم اصول، روش‌شناسی فقه، قلمرو فقه، ماهیت احکام فقهی،

مراحل حکم فقهی، انواع حکم (حکم اولی، ثانوی، ثابت و متغیر و...)، رابطه مصالح و مفاسد با احکام، موضوع علم فقه، اهداف فقه، مقدمات علم فقه یا اجتهاد، منابع فقه، حجیت منابع فقه، منطق فهم فقه، شیوه‌های تفسیر نصوص، متدولوژی تحقیق در اسناد، کاستی‌های فقه و آسیب‌شناسی آن، تعریف اجتهاد، عوامل موثر در اجتهاد و... پرداخته می‌شود.

فلسفه فقه یا علم‌شناسی فقه، دانشی است که در مقام علم ناظر، به فقه عمل نموده و به تحقیق در مبانی نظری و تحلیلی فقه، موضوع، محمول، مسائل، مبادی، مقدمات، غایات و شیوه‌های روش‌شناختی فقه و ارتباط آن با علوم و پدیده‌های دیگر می‌پردازد.

خاستگاه بسیاری از مباحث فلسفه فقه، اندیشه‌هایی است که در درون نحلها و مکاتب فکری متفاوت در حوزه‌های کلامی، فلسفی، تفسیری و حتی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به وجود آمده و به شدت بر مباحث فقهی و فلسفه فقه اثرگذار بوده است.

فلسفه فقه حوزه‌ای است برای ارائه مباحث بنیادین راجع به فقه که دارای تأثیرات فراوانی بر مباحث درون فقهی است. فلسفه فقه در واقع، دانش بر مدیریت تحول، تطور، توسعه، تعمیق و تکامل فقه و شناخت ساختار کلان آن، هماهنگی میان نهادها و قواعد و بسیاری دیگر از مسائل است.

علی‌رغم آنکه فقها، از دیرباز، بخشی از مباحث مربوط به فلسفه فقه را تحت عنوان رئوس ثمانیه، مورد توجه قرار می‌دادند، لیکن هنوز فلسفه فقه به عنوان علمی معین و دارای ساختار روشن، قضایای منسجم و مرتب که همگی ناظر به یک موضوع بوده و هدف خاصی را دنبال کنند، طراحی نشده و جایگاه ویژه و پر اهمیت خود را نیافته است، هر چند در دو دهه اخیر مباحث بیشتر و جدی‌تری نسبت به جایگاه و ضرورت طراحی و تنقیح دانش فلسفه فقه، نگارش یافته و شتاب محسوسی در جهت مدون ساختن فلسفه فقه صورت گرفته است.

پرداختن به فلسفه فقه، بر پویایی فقه خواهد افزود و آن را نسبت به نیازهای زمانه پاسخگوتر خواهد ساخت. توجه به این دانش نوپا در حوزه‌های

علمیه و مراکز علمی موجب کسب آگاهی افزون تر نسبت به نقش فقه، توانایی‌ها و قابلیت‌های آن، شناسایی ظرفیت‌های جدید در منابع استنباط، تسهیل در پاسخ به پرسش‌های جدید درباره فقه و روش‌شناسی فقهی، تصحیح روند و جریان فهم از کتاب و سنت و کاهش ضریب خطا در فهم از نصوص دینی، نقد یا بهره‌گیری صحیح از اظهارنظرهای تاریخی و جامعه‌شناسانه درباره فقه و... می‌شود.

زاویه نگرش فقیه به مباحث فلسفه فقه، تأثیرات بسزایی در نحوه اجتهاد و استنباط او بر جای گذاشته و نگاه نافذ، عمیق و نقادانه‌ای به او عطا خواهد کرد. برخی از سؤالات یا مسائل و موضوعاتی که در فلسفه فقه مطرح می‌شوند، عبارت است از:

- پذیرش یا عدم پذیرش منطق الفراع (و در صورت پذیرش آن تعیین قلمرو این منطق) در تحدید قلمرو فقه چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟
- آیا تمامی اقوال و افعال محصومین، جزء قلمرو فقه یا دین بوده و «بما انه هو الشارع» از ایشان صادر شده است؟ اگر اینگونه نباشد، معیار و ضابطه تشخیص چه خواهد بود؟
- کاربرد عقل، مصلحت، بنای عقلا، قاعده عدل و انصاف و... در استنباط احکام فقهی و شرعی، تا چه میزانی است؟
- آیا فقه به دنبال دست یافتن به اهداف و غایاتی است؟ اگر اینگونه باشد آیا می‌توان به این غایات دست یافت و از آن در اجتهاد بهره برد؟
- آیا فقه برای تأمین سعادت اخروی آمده است یا سعادت دنیوی و اخروی؟ چنانچه فقه برای تأمین سعادت هر دو جهان باشد، آیا فقه کنونی، قادر به تأمین و تضمین این سعادت است؟
- آیا فقه، ظرفیت نظام‌سازی را دارد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان از میان احکام فقهی به نظامی دست یازید که ابعاد مختلف زندگی انسان را پوشش دهد؟
- آیا تمامی احکام اسلام از جمله فقه احکام ثابت‌اند؟ در صورتی که علاوه بر احکام ثابت، احکام متغیری نیز وجود داشته باشد، معیار و میزان در تفکیک این دو چیست؟

- آیا دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد و استنباط احکام شرعی، اثر گذارند؟ بر فرض مثبت بودن پاسخ، محدوده این اثرگذاری تا کجاست؟
- آیا فقه، علاوه بر بیان احکام و قواعد، برنامه‌ای نیز برای اجرا مشخص کرده است؟ به بیان دیگر آیا روش اجرایی احکام داخل در قلمرو فقه است؟ آیا فقه فقط حکم ساز است یا طراح و معمارگر نیز می‌باشد؟
- ارتباط فقه با اخلاق، کلام، علم درایه، سیاست، جامعه‌شناسی و خصوصاً علم اصول چیست؟ اثر متقابل این علوم بر یکدیگر چگونه است؟
- تحولات فقه چیست و دارای چه خاستگاهی بوده است؟ اصولاً فقه - نه فقها - چه دوره یا ادوار تاریخی را پشت سر گذاشته است؟
- آیا روش اجتهاد سنتی، پاسخگوی نیازهای فعلی و ارائه‌دهنده راه‌حلی برای مسائل مستحدثه می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا فقه امروزی، به‌راستی تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است؟
- فقه دارای چه ساختاری است؟ معایب، محاسن و آسیب‌های آن کدام است؟
- شیوه فهم متون و نصوص دینی با فقهی چیست؟ شیوه مناسب منطبق فهم دین و فقه با عنایت به دو جایگاه قانون‌گذار و مخاطب، کدام است؟ آیا مخاطب نصوص فقهی، تنها جامعه آن روزگار بوده است؟ آیا در فهم و تفسیر نصوص دینی، شرایط جامعه و اوضاع و احوال حاکم باید مورد ملاحظه قرار گیرد؟
- انسان مخاطب احکام دینی و فقهی دارای چه اوصاف و ویژگی‌هایی است؟
- آیا رسالت فقه، صرفاً بیان احکام است یا موضوع‌شناسی احکام نیز می‌تواند در این دایره قرار گیرد؟
- آیا می‌توان با تمسک به «روح شریعت»، «مذاق شریعت» و «مقاصد شریعت» در تفسیر نصوص شرعی، توسعه یا تضییق ایجاد نمود؟
- پیش فرض‌های علم فقه چیست و تأثیرات آن در استنباط احکام فقهی تا چه حدی هست؟
- حکم حکومتی چیست؟ قلمرو آن تا کجاست و ضمانت اجرای آن

چیست؟ وظیفه مقلدان سایر مراجع نسبت به آنچه می‌باشد؟ این حکم با احکام ثانویه و احکام ضروری چه ارتباطی دارد؟

- آیا فقه و بطور کلی شریعت، بیانگر حداقل‌های لازم برای یک زندگی اجتماعی است یا بیانگر حداکثری امور و دربردارنده ضوابط، احکام و تمامی دستورات لازم برای زندگی فردی و اجتماعی بشر، من المهد الی اللحد است؟

- موضوع فقه، آیا افعال انسان مکلف است یا افعال انسان محق؟ آیا تمام اعمال انسان اعم از ظاهری و باطنی و فردی و اجتماعی در موضوع فقه جای دارد؟

- حکم فقهی آیا مفهومی اعتباری است یا واقعی؟ اقسام احکام فقهی کدام است؟ آیا تمامی اقسام حکم اعم از وضعی و تکلیفی، ظاهری و واقعی، اولی و ثانوی، حکومتی و غیرورتی، تابع مصالح و مفاسدند؟ اگر پاسخ مثبت است، مصالح و مفاسد واقعی یا ظاهری؟

- ویژگی فقه و حقوق اسلامی چیست؟ آیا احکام فقهی، حقوقی اسلام با حقوق فطری، طبیعی و حقوق بشر سازگار است؟ جایگاه سهولت و سماحت در فقه و حقوق اسلامی کجاست؟ آیا آنگونه که برخی شبهه کرده‌اند، فقه، علمی حیل‌آموز، ظاهربین، مصرف‌کننده از علوم دیگر، تکلیف‌مدار و متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی است؟

- عوامل پویایی، رشد و بالندگی فقه کدامند و عوامل جمود، ایستایی و رکود آن کدام است؟

- وجوه مشترک و متمایز فقه امامیه از فقه اهل سنت چیست؟ وجوه رجحان هر یک بر دیگری کدام است؟

....

علی‌رغم اهمیتی که بر تدوین فلسفه فقه و منضبط ساختن چارچوب‌های این دانش نوپا و تأثیرات مطلوب آن بر روند اجتهاد و شکوفاتر شدن فقه پویای جعفری، متصور است، برخی از صاحب‌نظران با اظهار اینکه فقه در سالیان متمادی بدون داشتن فلسفه فقه، خود، به بهترین وجه به حیات تکاملی و

پویای خود ادامه داده است ضرورت تأسیس چنین دانشی را به چالش کشیده‌اند. ایشان معتقدند اگر وجود چنین دانشی ضرورت داشت، فقهای که سرشار از اندیشه فقه و اصول‌شناسی بوده‌اند، به آن توجه و التفات می‌نمودند. این خرده‌گیری بر ضرورت تأسیس دانش فقه، ناصحیح می‌نماید؛ زیرا اولاً فقهای گرانقدر به فلسفه فقه توجه داشته و مباحث زیادی از موضوعات مربوط به فلسفه فقه را در علم اصول فقه و نیز برخی رئوس ثمانیه و... مورد توجه قرار داده‌اند، هر چند همه مباحث مربوط به فلسفه فقه را مضبوط نساخته و به آن نپرداخته‌اند. ثانیاً در صورت انتظام بخشی به مباحث فلسفه فقه، دریچه‌های جدیدی در استنباطات و اجتهاد گشوده می‌شد و فقه از آنچه اکنون است، پویاتر و پیشروتر می‌گشت.

آنچه که پیش روی خواننده گرامی است، جلد نخست مجموعه مقالاتی است که در موضوع فلسفه فقه، گردآوری شده است. مقالات مزبور، پیش از این در شماره‌های مختلف مجلات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به چاپ رسیده است و اکنون با اندک تغییراتی در ساختار شکلی مقالات و یکسان‌سازی آنها، در طرحی نو، بازچاپ می‌شود. امید است این قدم کوچک مقبول درگاه حق بوده و مورد استفاده خوانندگان گرامی که رهپویان وادی روشنای علم و حقیقت‌اند قرار گرفته و در مسیر تدوین این دانش جدید به قدر ران ملخی باشد به پیشگاه سلیمان نبی(ع).

یادآوری این نکته مهم ضروری است که نگارش برخی از مقالات این مجموعه به سال‌های دور - گاه بیش از ده سال قبل - باز می‌گردد و از آنجا که در آن زمان تهیه، تنظیم و نگارش مقالات به شکل کنونی انسجام و سامان نیافته بود، بیشتر مقالات فاقد ارجاعات یکسان و کامل و نیز فاقد کتابنامه‌های منظم و جامع بود و همین امر تکمیل منابع و کتابنامه‌ها را ضروری می‌ساخت. با این وصف، دسترسی به بیشتر محققان محترم مقالات، متعسر و گاه متعذر بود و در مواردی نیز که دسترسی میسر بود مجال کافی و فراغت بالی برای نویسندگان محترم وجود نداشت تا اقدام به اصلاح یا تکمیل شکلی مقالاتی نمایند که سال‌های سال از زمان نگارش آن گذشته بود و از این‌رو تکمیل

منابع مستلزم مراجعه مجدد و وقت‌گذاری دوباره بود که در اغلب موارد امری صعب و سخت به نظر می‌رسید. به‌ناچار در دوران امر بین دو محذور رها ساختن مقالات به حال خود (و چشم‌پوشی از یک‌دست‌ساختن مقالات مجموعه حاضر) و خطرپذیری و اقدام به انجام این مهم، گزینه دوم علی‌رغم محتمل و بلکه قطعی بودن بروز خطاهایی در آن، مقبول افتاد و مطابق آن تدوین مجموعه پیش رو با اهتمام به تکمیل منابع و کتابنامه مقالات - در حد امکان - با راهنمایی‌های اینجانب و توسط برخی از همکاران به انجام رسید. با توجه به اعمال شیوه مزبور، خطاهای موجود در منابع (از حیث اطلاعات مربوط به انتشارات، نوبت و سال چاپ) ارتباطی به نویسندگان فاضل و محترم مقالات نداشته، ناشی از قصور این‌جانب خواهد بود.

نخستین مقاله این مجموعه، اثری است از جناب آقای رسول نادری با عنوان «فلسفه فقه». مؤلف، در سه بخش با عناوین: وصفی و گزارشی یا دستوری بودن فلسفه فقه، بررسی رابطه فلسفه فقه با علم اصول فقه، و بررسی مباحث اصلی علم فلسفه فقه، به پرسش‌هایی از قبیل: فلسفه فقه چه دانشی است؟ آیا وصفی است یا دستوری؟ چه گزاره‌هایی دارد؟ تأییدی بر علم فقه دارد؟ و آیا اصولاً تاسیس چنین دانشی لازم است؟ پاسخ می‌گوید.

«چیستی فلسفه فقه» عنوان مقاله بعدی این مجموعه است که به قلم جناب آقای جابر توحیدی اقدم و جناب آقای عبدالرحیم سلیمانی بهیانی، به نگارش درآمده است. مؤلفان با اشاره به اینکه نوع تلقی افراد از چیستی فلسفه فقه می‌تواند در کیفیت تکوین این دانش و جهت‌گیری مباحث آن موثر باشد به هشت تعریف ارائه‌شده در مورد فلسفه فقه پرداخته و نقاط ضعف و قوت هر یک از این تعاریف را به تصویر کشیده‌اند؟ مؤلفان در پایان به ارائه توضیحاتی درباره نسبت فلسفه فقه با علوم دیگر و نیز ارتباط مسائل فلسفه فقه با علوم مرتبط، پرداخته‌اند.

«فلسفه فقه» عنوان مقاله بعدی این مجموعه است که به قلم جناب آقای ابوالقاسم علیدوست به رشته تحریر درآمده است. مقاله مزبور که نیم‌نگاهی به

مقاله پیشین و نقد آن دارد، در بخش نخست خود به نقد و تحلیل تعریف‌های ارائه شده از فلسفه فقه می‌پردازد و در نهایت با کندکاوی در مفهوم دو واژه فلسفه و فقه تعریف جدیدی از فلسفه فقه ارائه می‌دهد. محقق در بخش دوم تحقیق به مسائل و ساختار فلسفه فقه می‌پردازد. موضوع فلسفه فقه، غرض از فلسفه فقه و آثار مترتب بر آن، رابطه فلسفه فقه با فقه، معرفت‌شناسی فقه، کلام و اصول، از دیگر بخش‌های این تحقیق است. مقاله با ارائه دو پیشنهاد ذیل به پایان می‌رسد:

الف) مسائل لازم در اجتهاد که از سنخ مسائل اصولی فقه است و در اصول فقه موجود از آنها بحث نشده - اعم از اینکه در فقه به مناسبت از آنها بحث شده باشد یا نه - باید از فلسفه فقه جدا و به مسائل اصول فقه ملحق شود.

ب) مسائل فلسفه فقه باید به مسائلی منحصر گردد که ناظر به کلیت فقه (به معنای مجموعه گزاره‌های استنباط‌شده از سوی فقیه) و اجتهاد است، بدون اینکه وارد مباحث اصول فقه یا سایر دانش‌های مقدماتی فقه و اجتهاد گردد.

«گفتن فلسفه فقه» عنوان مقاله‌ای است از جناب آقای **عبدالحسین خسروپناه** که در آن چپستی فقه به لحاظ موضوعی و محمول؛ گستره فقه؛ ارتباط معرفت‌شناسی و مبانی فقه؛ پیش‌فرض‌های فقه؛ ارتباط فلسفه فقه یا فقه با علوم دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله مهم‌ترین چالش‌های فلسفه فقه از جمله ثابت و متغیر بودن فقه، جامعه‌ساز، طراح و برنامه‌ریز نبودن فقه، دنیایی و ظاهرین بودن فقه، مصرف‌کننده بودن فقه و نیز تکلیف‌مدار بودن فقه، مورد بحث قرار گرفته و نهایتاً ویژگی‌های حقوق و فقه اسلامی، تبیین شده است.

«جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی اجتماعی اسلام» عنوان مقاله‌ای است از خانم طاهره اسداللهی. در این مقاله با بررسی ادله قاعده تساهل و تسامح که عبارتند از کتاب، سنت و حکم عقل، مصادیقی از این قاعده در مسائل حقوقی و اجتماعی، از قبیل برداشتن تکلیف جهاد از شخص ناتوان، امکان تبدیل قصاص به دیه در قتل عمد، اثبات زنا با شرایط خاص و مشکل و... بیان می‌شده و در نهایت دیدگاه **مقدس اردبیلی** و مرحوم

حضرت امام(ره) در این مورد بررسی می‌شود. به اعتقاد مؤلف از مجموع مباحث و ادله می‌توان به انعطاف پذیری قوانین فقهی - حقوقی - اجتماعی اسلام که به منظور نیل به سعادت واقعی پایه‌گذاری شده است، پی برد.

عنوان مقاله بعدی «عرفی و عقلایی بودن زبان دین در حوزه تشریح و تقنین» است که به قلم جناب آقای محمد جواد سلمان پور به نگارش درآمده است. مؤلف با بیان اینکه فهم احکام الهی از دو منبع قرآن و سنت، یکی از مباحث بسیار مهم است که با فاصله افتادن بین زمان شارع و زمان مخاطبان به موضوعی اساسی تبدیل شده است، مسئله حجیت ظواهر یا اعتبار فهم فقهی از کتاب و سنت را موضوع بحث خود قرار می‌دهد. به اعتقاد مؤلف حجیت ظواهر مبتنی بر پیش فرض‌هایی است که برخی از آنها با توجه به هرمنوتیک جدید، مورد خدشه قرار گرفته است. در این مقاله با بیان اینکه یکی از پیش فرض‌های حجیت ظواهر عرفی و عقلایی بودن زبان دین در حوزه تشریح و تقنین است، با تبیین سبک‌های سخن در قرآن و سنت، ادله تاریخی و نیز ادله عقلی و نقلی، عرفی و عقلایی بودن زبان شارع در این حوزه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«بررسی ساختار فقه» مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای حسین حسن‌زاده به رشته نوشته درآمده است. در مقاله مزبور با تأکید بر ضرورت تقسیم‌بندی و ارائه ساختاری منطقی و مقبول برای فقه، پس از بیان ده ساختار ارائه شده از فقهای امامیه (سلار، ابوصلاح حلبی، ابن براج، محقق حلی، شهید اول، حسینی عاملی، فیض کاشانی، شهید صدر، بی‌آزار شیرازی و مرحوم مشکینی) به ساختار فقه از دیدگاه اهل سنت پرداخته می‌شود و در نهایت نیز طرح پیشنهادی جدیدی برای ساختار فقه مطرح می‌شود که عبارت است از تقسیم مباحث فقهی به دو بخش عبادات بالمعنی الاعم و معاملات بالمعنی الاعم با زیر شاخه‌های مربوطه هر یک.

«عوامل پویایی فقه» عنوان مقاله بعدی است که به قلم جناب آقای سید علی سادات فخر تالیف شده است، مؤلف با اشاره به اینکه امام خمینی(ره) با به‌رخ‌کشاندن فقه سنتی، موجب توجه به فقه از سویی و یورش‌های بدخواهان

به فقه از سوی دیگر شده است، معتقد است دفع این یورش‌ها، تنها با ارزیابی صحیح و منطقی دانش فقه و تحلیل درست اهداف، سازکارها و شیوه‌های استنباط و... میسر است. نظر به ضرورت این نکته است که مؤلف در این مقاله، با اشاره به اهداف فقه و توانایی سیستمی فقه برای حل مشکلات جامعه و اداره نظام سیاسی و اجتماعی، عوامل پویایی فقه را تبیین و راهکارهایی جهت بهبود روش استنباط ارائه می‌دهند.

«نقد نظریه حداقلی در قلمرو فقه اسلامی» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای علی ریانی گلپایگانی به نگارش درآمده است. محور این مقاله پاسخ به شبهه پاسخگو نبودن فقه، نسبت به تمام نیازهای بشری است. بر اساس شبهه نظریه حداقلی که مؤلف درصدد پاسخگویی به آن است، دین و شرایع آسمانی و خصوصاً اسلام در همه زمینه‌های الهیات، فقه و حقوق به بیان حداقل‌ها اکتفا و حداکثر را به عقل و دانش بشر، واگذاشته است. در این مقاله با پاسخ به این شبهه و برخی شبهات دیگر، این مطلب اثبات می‌شود که فقه اسلامی، حداکثری بوده و در حوزه روابط اجتماعی نیز از جامعیت و پویایی لازم برخوردار است. دانش بشری و عقل عرفی، ابزار تعیین و تشخیص موضوعات و راه کارهای مناسب برای استنباط احکام دینی است.

«مذاق شریعت» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جناب آقای محمود حکمت‌نیا به رشته تحریر درآمده است. مقاله مزبور که برگرفته از تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن» می‌باشد، به تبیین چستی مذاق شریعت و ذکر نمونه‌هایی از استناد به مذاق شریعت می‌پردازد. مؤلف برخی از شیوه‌های دستیابی به مذاق شارع (دستیابی از طریق: اولویت احکام، مجموعه احکام، آثار احکام، عقل، صفات شارع و...) را بیان نموده و پس از تبیین کاربردهای مذاق شریعت به بررسی اعتبار آن می‌پردازد. مقاله با بررسی نسبت مذاق شریعت و اصول کلی حقوق و نیز مقاصد شریعت به پایان می‌رسد. به اعتقاد مؤلف از مذاق شریعت می‌توان در شناخت مفاهیم و موضوعات و رفع تراحمات میان احکام، بهره جست.

«استناد فقهی به مذاق شریعت در بوثه نقد» عنوان مقاله‌ای است که به

قلم جناب آقای ابوالقاسم علیدوست و جناب آقای محمد عشایری منفرد به نگارش در آمده است. مؤلفین با عنایت به گستردگی استناد به مذاق شریعت در دو سده اخیر، موارد و چگونگی به کارگیری مذاق شریعت را اعم از استقلالی (مبین اراده شارع) و ابزاری (مانند تفسیر مقصود شارع) در نوشته‌های فقهی مورد بررسی قرار می‌دهند. در این مقاله همچنین به تحلیل چستی مذاق شریعت، مؤلفه‌های آن و ارتباطش با مقاصد شریعت پرداخته می‌شود.

«ثبات شریعت و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی» عنوان مقاله دیگری است که به قلم جناب آقای سید حسین میرمعزی به نگارش درآمده است. در این مقاله با عنایت به جامعیت و ثبات شریعت از یک سو و تحولات چشمگیر جوامع بشری از زمان تشریح تا کنون، از سوی دیگر، رویکرد و پاسخ برخی از فقها نسبت به چگونگی سازگاری این دو موضوع، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف پس از تبیین نظریه منطقه‌الفراغ شهید صدر که در واقع پاسخی به حل معضل پیش گفته (چگونگی سازگاری ثبات شریعت با تحول جامعه) است، نظریه مزبور را به نقد کشیده و در نهایت با ذکر مقدمات شش گانه‌ای به طرح نظریه خویش می‌پردازد.

«منابع فقه در» عنوان مقاله بعدی است که به قلم جناب آقای سیف الله صرامی تالیف شده است. در این مقاله با توضیح اصطلاح منابع فقه و تأکید بر این نکته که از دیدگاه قرآن عدم حجیت ظن یک اصل کلی است، منابع فقه از دیدگاه قرآن، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد مؤلف از نظر قرآن، خود قرآن اولین منبع فقه و پس از آن سنت که مشتمل بر قول، فعل و تقریر معصومان هست، منبع دوم و خبر واحد که به عنوان طریق اثبات سنت کاربرد دارد، سومین منبع فقه است. عقل نیز با محدودیت‌هایی معین، از نگاه قرآنی، می‌تواند منبع فقه باشد.

«درآمدی بر مبانی کلامی استنباط از قرآن» نوشته‌ای است از جناب آقای احمد مبلغی که در آن به مبانی کلامی استنباط از قرآن به عنوان یکی از مباحث مبانی کلامی اجتهاد و منابع آن، پرداخته شده است. مؤلف مقاله خویش را در دو بخش سامان بخشیده است. در بخش اول به مباحثی نظیر

بهره‌گیری از مبانی کلامی در جهت اثبات منبع بودن قرآن؛ مدد گرفتن از مبانی کلامی جهت تعیین قلمرو آیات الاحکام و یاری جستن از مبانی مزبور در تعیین متدلوژی استنباط از قرآن، پرداخته می‌شود و در بخش دوم نیز ضابطه‌ای جهت تعیین شیوه دریافت مبانی کلامی از قرآن با بهره‌گیری از مبانی کلامی ارائه می‌شود.

«تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی» عنوان مقاله دیگری است که به قلم جناب آقای *ابوالقاسم علیدوست* به نگارش درآمده است. مؤلف با بیان اینکه هر چند نصوص معتبر و عقل سلیم بر هدفمند بودن افعال الهی در تکوین و تشریح دلالت دارد، لیکن این سخن به معنای ضرورت یا وضوح تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی و موجود در متعلق احکام نیست، این رویکرد مسئله را نیازمند تحقیق و بررسی می‌داند. در این مقاله پس از بیان سه دیدگاه موجود در زمینه تبعیت احکام از مصالح و مفاسد (اندیشه تبعیت مطلق، اندیشه تبعیت نسبی، اندیشه افکار تبعیت) به توضیح و نقد هر یک از این دیدگاه‌ها و ادله آن، پرداخته می‌شود.

«امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع» عنوان مقاله‌ای است از جناب آقای *ابوالقاسم علیدوست* که در آن با مفروض گرفتن تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا عقل توان درک، و فهم مصالح و مفاسد مزبور را دارد؟ مؤلف پس از بیان دیدگاه‌های موجود در این زمینه و نقد و بررسی ادله هر یک از دیدگاه‌ها، با تمسک به ادله عقلی و نقلی (آیات و روایات) فراوان که بر تعقل دلالت دارند، به تقویت و تأیید اندیشه امکان فهم مصالح و مفاسد توسط عقل، می‌پردازد.

«نقش سنت در حجیت فهم ظواهر» عنوان مقاله بعدی است که به قلم جناب آقای *سید عبدالحمید ابطیعی* تالیف شده است. به اعتقاد مؤلف، حجیت ظواهر کتاب، نوعی استقلال در فهم آیات کریمه را به دنبال ندارد، بلکه ظواهر کتاب، زمانی حجت خواهد بود که روایات و اخبار، مورد فحص قرار گرفته باشد تا از عدم وجود مقید یا مخصص یا... اطمینان حاصل شود. در این مقاله، برای اثبات مسئله پیش گفته، مبادی تصدیقی بحث، تعیین موضوع حجیت،

نقش سنت به مثابه قرینه مفصل کتاب، آرای فقیهان در ضرورت فحوص قبل از عمل به آیات و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«سنت پژوهی» عنوان مقاله‌ای است از جناب آقای علی اکبر رشاد. مؤلف به منظور ارائه ساختار تفصیلی سنت پژوهی که می‌تواند در: ماهیت‌شناسی سنت، روش‌شناسی احراز صدور سنت، ترسیم اطلس جامع احادیث و تحلیل اقسام سنت، بازکاوی علمی دعاها، مناجات‌ها و زیارات مأثور به منظور کاربردی آن در دریافت معارف و... کارایی داشته باشد، به تبیین ضرورت سنت پژوهی و تعریف آن و نیز نقش فعل معصوم (سنت فعلی) و کاربرد آن در مقام استنباط می‌پردازند. در ادامه مقاله روش‌های احراز سنت، دلالت پژوهی و معناشناسی سنت و برخی از اسلوب‌های معناشناسی (روش میناشناختی، روش محیط‌شناسی صدور و روش موضوع‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نیز ساختاری برای سنت پژوهی ارائه می‌شود.

«اصل اولی در گفتار و رفتار معصومان» که به قلم جناب آقای حسن‌علی علی اکبریان، به نگارش درآمده است، عنوان مقاله بعدی مجموعه حاضر است. در این مقاله با اشاره به اینکه معصومان (ع) دارای شئونات مختلفی از قبیل حکومت، قضاوت، تبیین و تبلیغ دین، شئون شخصی و... هستند، به بررسی وظیفه مکلف (یا فقیه) در مقام شک (شک در اینکه آیا حکم مزبور ثابت است یا موقتی) می‌پردازد. به عقیده مؤلف اگر فعل یا قول معصوم از شأن تبیین دین صادر شده باشد، آن حکم، ثابت و اگر از دیگر شئون صادر شده باشد، حکمی موقت و متغیر است. مؤلف در پاسخ به این پرسش که اصل، در هنگام شک در گفتار و رفتار معصوم چیست، ثابت بودن احکام را به عنوان اصل قابل رجوع می‌داند. این اصل برگرفته از «اطلاق مقامی مبنی بر صدور گفتار و رفتار معصوم از شأن تبیین دین و نیز «ارتکاز متشرعه غیر مردوعه» است.

«تأملی در حجیت خبر موثق» عنوان آخرین مقاله این مجموعه است که به قلم جناب آقای سید محمد نجفی یزدی به نگارش درآمده است. مؤلف با تبیین اینکه بحث در حجیت خبر موثق (خبر غیر امامی ثقه)، از مهم‌ترین مباحث در اصول و علوم حدیث است به نقد و بررسی ادله موافقان و مخالفان

حجیت خبر ثقه می‌پردازد و در نهایت به این قول متمایل می‌شود که ادله مخالفان حجیت خبر موثق که عبارت است از آیه نبأ، آیه نهی از رکون به ظالمان و نیز روایات فراوانی که در این زمینه وارده شده است، بر ادله موافقان حجیت، رجحان دارد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از زحمات جناب آقای علیرضا پاکیزه و سیدعلی اکبر مقدس‌نژاد که در آماده‌سازی این مجموعه همیاری و مساعدت داشته‌اند، کمال تشکر و سپاس را به عمل آورم.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضى
حسینعلی بای

www.ketab.ir